

نقد مطالعات رشد و تحلیل تکانه‌پذیری رشد اقتصادی ایران در چهارچوب اقتصاد مقاومتی

سیدشمس‌الدین حسینی*

چکیده

در اقتصادی چون اقتصاد ایران که نفت سهم بالایی در رشد اقتصادی دارد، تکانه‌پذیری و درمقابل، پایداری رشد اقتصادی اهمیت مضاعف دارد. شناخت تکانه‌پذیری رشد اقتصاد ایران در دوره سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵ با رویکرد «تحلیل کیفی — بخشی» در چهارچوب حساب‌داری بخشی رشد در این مقاله هدف قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دامنه تغییر رشد اقتصادی در دوره مورد مطالعه در ایران ۴۶ درصد بوده است، که بالاترین دامنه تغییر رشد به بخش نفت با ۱۹۵/۴ درصد برمی‌گردد. از طرفی، بالاترین تکانه‌های رشد به سال‌هایی برمی‌گردد که بخش نفت با یک تکانه مقداری، چون وضع تحریم (محدودیت خرید خارجی‌ها) مواجه شده است. سال ۱۳۵۹ و سال ۱۳۹۱ دو نمونه روشن برای این امر هستند. چنان‌که لغو یا تعلیق تحریم‌ها در سال ۱۳۶۱ و سال ۱۳۹۵ جهش‌های رشد اقتصاد ایران را در پی داشته است که این جهش‌ها نه به‌منزله قرارگرفتن در یک مسیر رشد بلندمدت و پایدار، بلکه یک اصلاح کوتاه‌مدت در رشد اقتصادی است. مطالعه نشان می‌دهد وابستگی و تکانه‌پذیری بخش نفت از خارج بنابه دلایلی چون انحصار دولتی در طرف عرضه، انحصار در طرف خرید، و بهره‌گیری کشورهای چوون آمریکا از تحریم صادرات نفت رشد اقتصادی را ناپایدار کرده است.

کلیدواژه‌ها: رشد اقتصادی، تکانه‌های رشد، پایداری رشد، تحریم مقداری نفت.

* دکترای اقتصاد، گرایش بخش عمومی، عضو هیئت‌علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران،
ایران، sh.hosseini@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۱. مقدمه

تأمین رشد پویا اولین هدفی است که در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر آن تصریح شده است. بنابراین مقاله حاضر با درک این مهم نگاشته شده است. در تحلیل رشد اقتصادی علاوه بر ویژگی‌های کمی یا مقداری، ویژگی‌های کیفی نیز دارای اهمیت است. به طور مشخص، پایداری رشد یک ویژگی کیفی است که با هدف «بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی» رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

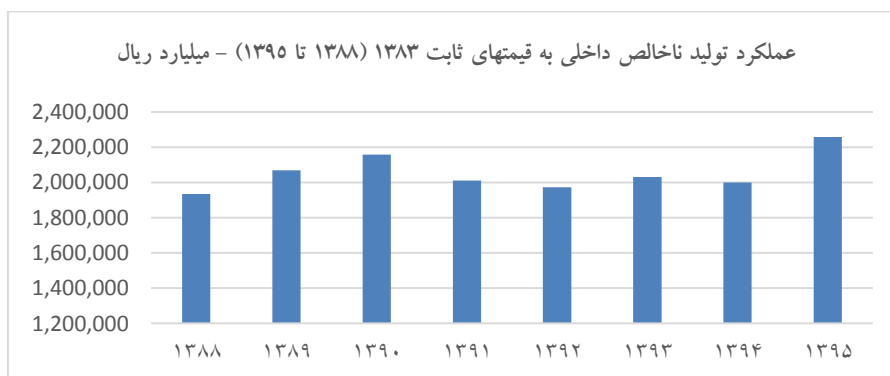
تحلیل کیفی رشد اقتصادی مستلزم تبیین ساختار و تجزیه بخشی رشد است. تحلیل رشد کل بدون تجزیه بخشی آن کفایت لازم را برای شناخت پویایی و پایداری و به‌یانی استحکام رشد اقتصادی مقاوم ندارد. به همین علت، در این مقاله رویکرد تجزیه (و تحلیل) بخشی رشد اقتصادی دنبال می‌شود. فایده این امر آن‌جا برجسته می‌شود که در بیش‌تر موارد، چه در مطالعات صورت‌پذیرفته و چه در نقد و ارزیابی‌های سیاستی رشد اقتصادی، تحلیل «کمی - کلی» رشد بدون توجه به ابعاد «کیفی - بخشی» رشد انجام می‌پذیرد که نمی‌تواند گویای اهداف و رویکردهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد.

سهم برجسته نفت از تولید ملی ایران و تعدد و گستردگی تحریم‌ها برضد ایران دو عاملی هستند که در شناخت نوسان و تکانه‌پذیری رشد اقتصادی باید مدنظر قرار گیرند که در این مقاله بررسی شده‌اند و تلاش شده است در تکمیل نکات پیش‌گفته، سرانجام این مطالعه را به درس‌های سیاستی برای اقتصاد مقاومتی رهنمون کند.

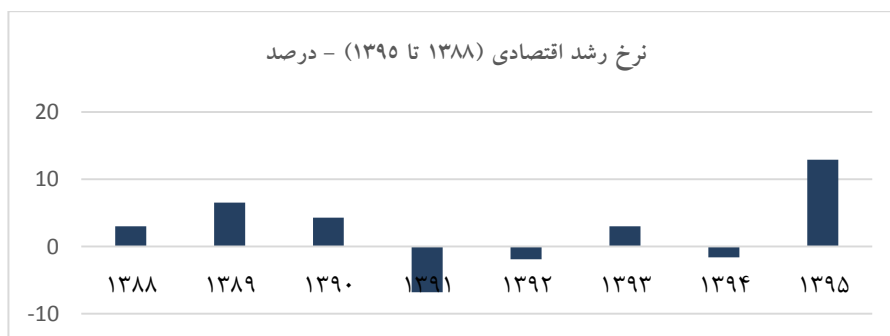
۲. مفهوم نرخ رشد اقتصادی و تفاوت آن با عملکرد تولید

عملکرد تولید ملی یک متغیر انباشت است، درحالی‌که متغیر نرخ رشد اقتصادی یک متغیر رونده است و مقدار آن در هر سال از طریق تفاوت میزان تولید آن سال با تولید سال قبل سنجیده می‌شود. مثلاً نمودار ۱ نشان‌دهنده عملکرد تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روند تولید ناخالص داخلی کشور تا سال ۱۳۹۰ افزایشی و پس از آن هم‌راه با نوسان است. نمودار ۲ نشان‌دهنده نرخ رشد اقتصادی در سال‌های موردبررسی است. این دو نمودار نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۰ عملکرد تولید افزایش یا بهبود پیدا کرده است، بنابراین نرخ رشد اقتصادی مثبت است. اما در سال ۱۳۹۱ عملکرد تولید کاهش پیدا کرده است و بنابراین نرخ رشد اقتصادی منفی است. اگرچه نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۰

کاهش یافته است، چون مثبت است به معنای آن است که عملکرد تولید در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال قبل آن افزایش یا بهبود یافته است.



نمودار ۱: عملکرد تولید ناخالص داخلی (۱۳۸۸-۱۳۹۵)
منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی (www.cbi.ir)



نمودار ۲: نرخ رشد اقتصادی (۱۳۸۸-۱۳۹۵)
منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی (www.cbi.ir)

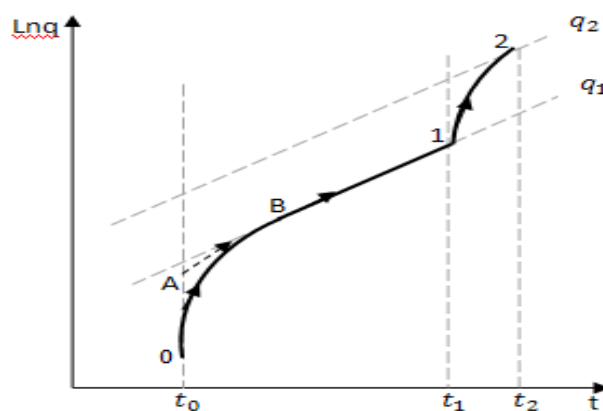
در مقابل، کاهش عدد منفی (قدر مطلق) نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۲ به معنای بهبود عملکرد تولید نیست؛ زیرا میزان عملکرد تولید در مقایسه با سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است. به عبارتی، در سال ۱۳۹۲ میزان تولید به قیمت ثابت حتی کمتر از سال ۱۳۹۱ است؛ یعنی اگرچه قدر مطلق رشد منفی کوچک‌تر شده است، عملکرد تولید سال ۱۳۹۲ کم‌تر شده است. سال ۱۳۹۳ رشد اقتصادی مثبت، سال ۱۳۹۴ منفی، و سرانجام در سال ۱۳۹۵ رشد اقتصادی مثبت و دورقمی گزارش شده است که در بخش‌های بعد بررسی می‌شود.

۳. مروری بر نظریه‌های رشد و بررسی روند عملکرد تولید ملی و رشد اقتصادی

۱,۳ مروری بر نظریه‌های رشد

در ادبیات نظری بین رشد کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت تمایز قائل می‌شوند. در تحلیل‌های نظری هنگامی که اقتصاد از وضعیت هم‌راه با ظرفیت بی‌کار و پایین‌تر از سطح منحنی امکانات تولید به سمت ازین‌بردن بی‌کاری و قرارگرفتن بر منحنی امکانات تولید حرکت می‌کند، گفته می‌شود که در مسیر رشد کوتاه‌مدت حرکت می‌کند.

این رشد نمی‌تواند فرایندی مستمر باشد؛ زیرا وقتی که اقتصاد به‌طور کامل از منابع خود بهره‌برداری می‌کند، فقط می‌تواند به سرعتی که توسعه منابع رشد هم‌چون موجودی سرمایه، نیروی کار، و پیشرفت‌های فنی اجازه می‌دهد رشد کند. دومین نوع رشد هم‌راه با اشتغال کامل به سمت یک مسیر رشد بلندمدت است؛ اما رشد بلندمدت حرکت در یک مسیر یک‌نواخت است. البته نوع دیگری از رشد نیز وجود دارد که اقتصاد خود را از یک مسیر رشد بلندمدت به‌طریقی هم‌چون افزایش پس‌انداز و انباشت سرمایه در مسیر رشد بلندمدت بالاتر قرار می‌دهد که این نوع رشد را هم رشد میان‌مدت نامیده‌اند.



شکل ۱. حالات مختلف رشد اقتصادی

در شکل ۱ نوع اول رشد (کوتاه‌مدت) حرکت از نقطه صفر به سمت نقطه A است که برای ازین‌بردن بی‌کاری است. نوع دوم رشد (میان‌مدت) حرکت از نقطه A به سمت نقطه B است که درواقع، حرکت توأم با اشتغال کامل برای رسیدن به مسیر رشد بلندمدت q_1

است. نوع سوم رشد حرکت در مسیر یک‌نواخت رشد بلندمدت q_1 از نقطه B به بعد و در نهایت، نوع چهارم رشد (میان‌مدت) حرکت از نقطه (۱) در مسیر یک‌نواخت q_1 به سمت نقطه (۲) در مسیر یک‌نواخت q_2 که با نرخ بالاتری از پس‌انداز و ذخیره سرمایه متناظر است، خواهد بود. تفکیک این مسیرهای رشد در تحلیل‌ها و وقایع اقتصادی و سیاست‌گذاری بسیار مهم است. در تحلیل و بررسی بلندمدت نرخ رشد اقتصادی تاکنون نظریه‌ها و الگوهای بسیار متنوعی در مورد عوامل و متغیرهای تأثیرگذار در نرخ رشد اقتصادی مطرح شده است.

از نظر تاریخی، شروع نظریه‌های رشد با مقاله رمزی در سال ۱۹۲۸ است. بعد از رمزی تا سال ۱۹۵۰ دو اقتصاددان به نام‌های هارود و دومار کوشش کردند که تحلیل‌های کینزی را با عوامل رشد اقتصادی ترکیب کنند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ الگوهایی گسترش یافتند که اکنون از آن‌ها با عنوان الگوهای رشد نئوکلاسیکی یاد می‌شود. سولو و سوان (۱۹۵۶) و کاس و کوپمانز (۱۹۶۵) از جمله اقتصاددانانی هستند که چنین الگوهایی را گسترش دادند، اما به علت کاستی‌های الگوهای رشد نئوکلاسیک گرایش به سمت الگوهای رشد درون‌زا که در آن‌ها بر پیشرفت فنی تأکید می‌شود، افزایش پیدا کرد. در این زمان لوکاس، رومر، بارو، و دیگر محققان الگوهایی را ارائه کردند که در آن‌ها رشد یک‌نواخت می‌تواند به‌طور درون‌زا تحقق یابد. بدین معنی که رشد اقتصادی براساس مجموعه‌ای از سازوکارهای درونی اقتصاد مانند توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری، تحقیق و توسعه، و هزینه‌های باکیفیت دولت تحقق می‌یابد. به‌طور کلی، در این الگو سرمایه‌گذاری انسانی عامل تأثیرگذار رشد بود.

اگرچه برای بررسی رشد اقتصادی بلندمدت در ایران نیز از الگوهای یادشده استفاده شده است، در این مقاله از روش تجزیه بخشی برای تحلیل نرخ رشد اقتصادی و بررسی متغیرهای تأثیرگذار در آن استفاده شده است.

۲,۳ بررسی عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران

بررسی روند رشد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که اقتصاد ایران با دامنه وسیعی از تغییرات نرخ رشد روبه‌رو بوده است. به‌نحوی که طی دوره ۱۳۵۶، یعنی یک سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۵ تفاوت بیش‌ترین مقدار نرخ رشد اقتصادی و کم‌ترین مقدار آن به ۶۶ درصد می‌رسد.

جدول ۱. روند نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت	
۵/۱	-۳/۹	-۱۰/۷	۰/۹	-۸/۱	-۳/۷	۱۳۵۶
۲	۶/۷	۱۰/۹	۲/۸	-۲۹	-۱۲/۸	۱۳۵۷
-۰/۶	۶/۱	-۱۹/۵	-۰/۹	-۲۲/۳	-۹/۴	۱۳۵۸
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲	۱۳۵۹
-۱۱	۱/۹	-۸/۶	-۷	۶/۹	-۵	۱۳۶۰
-۲/۳	۷/۱	۵/۴	۲/۱	۱۲۸/۱	۲۲/۸	۱۳۶۱
۸/۳	۴/۶	۱۷/۸	۱۳/۱	۲	۹/۷	۱۳۶۲
-۱/۴	۷/۳	-۶/۸	-۲/۴	-۲۰/۵	-۷/۶	۱۳۶۳
۲/۱	۷/۹	-۴/۹	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱۳۶۴
-۱۴/۲	۴/۸	۴/۱	-۸/۵	-۱۳/۷	-۹/۸	۱۳۶۵
-۷/۸	۲/۵	۱/۸	-۴/۱	۱۴/۴	۰/۲	۱۳۶۶
-۹/۲	-۰/۶	-۱۷/۳	-۱۰/۴	۸/۸	-۵/۳	۱۳۶۷
۶/۷	۴/۳	۲/۲	۵/۷	۶/۳	۵/۹	۱۳۶۸
۱۰/۶	۱۱	۱۷/۵	۱۱/۷	۱۹/۴	۱۴	۱۳۶۹
۱۰/۴	۵/۶	۲۳/۶	۱۱/۸	۱۳/۴	۱۲/۳	۱۳۷۰
۴/۱	۱۰/۳	۲	۴/۳	۰/۴	۳/۱	۱۳۷۱
۰/۵	۱۱	-۲/۲	-۰/۳	۵	۱/۴	۱۳۷۲
۲/۳	۲/۱	۲/۱	۱/۶	-۶/۱	-۰/۹	۱۳۷۳
۳/۱	۳/۷	-۱/۹	۳/۴	۱/۱	۲/۷	۱۳۷۴
۵/۸	۳/۳	۱۷/۹	۷/۵	۰/۶	۵/۴	۱۳۷۵
۴/۵	۱	۴/۴	۳/۵	-۵/۷	۰/۸	۱۳۷۶
۳/۴	۱۰/۶	-۳/۸	۲/۲	۲/۱	۲/۲	۱۳۷۷
۳/۱	-۷/۳	۱۱	۴/۷	-۶/۳	۱/۷	۱۳۷۸
۳	۳/۵	۱۰/۲	۴/۶	۸/۸	۵/۷	۱۳۷۹
۵/۱	-۲/۳	۱۳/۲	۶/۴	-۱۰/۵	۲/۱	۱۳۸۰
۷/۱	۱۳/۶	۱۴/۳	۹/۸	۲/۴	۸/۱	۱۳۸۱
۷/۶	۵	۶/۶	۶/۷	۱۴/۵	۸/۴	۱۳۸۲
۷/۵	۰/۳	۳/۲	۵/۳	۲/۴	۴/۶	۱۳۸۳
۸/۴	۱۱/۳	۷/۷	۸/۱	۰/۱	۶/۳	۱۳۸۴
۸/۹	۵/۶	۵/۲	۷/۱	۲/۲	۶/۱	۱۳۸۵

۷/۷	۱/۱	۹/۴	۸	۲/۹	۱۱	۱۳۸۶
۰/۶	-۰/۸	۱	۶/۷	-۲۳	۰/۴	۱۳۸۷
۱/۳	-۰/۴	۲/۸	۴/۲	۹/۶	۲/۶	۱۳۸۸
۶/۵	۴/۲	۷	۷/۹	۴/۹	۶/۷	۱۳۸۹
۴/۳	-۱	۵/۴	۵	-۰/۱	۵/۸	۱۳۹۰
-۶/۸	-۳۷/۴	-۰/۹	-۶/۴	۳/۷	۱/۱	۱۳۹۱
-۱/۹	-۸/۹	-۱/۱	۲/۹	۴/۷	-۱/۵	۱۳۹۲
۳/۲	۴/۵	۳/۰	۵/۴	۵/۴	۱/۴	۱۳۹۳
-۱/۶	۷/۲	-۳/۱	-۶/۱	۴/۶	-۲/۳	۱۳۹۴
۱۲/۵	۶۱/۶	۳/۳	۲/۲	۴/۲	۳/۶	۱۳۹۵

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

توجه به این نکته اهمیت دارد که در دوره مورد مطالعه (۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵) بخش نفت با ۱۹۵٫۴ درصد دارای بالاترین دامنه تغییرات در مقایسه با دیگر بخش‌هاست. بالابودن دامنه تغییرات بخش نفت در اقتصاد ایران به علت اثرپذیری و به بیان روشن‌تر، تحریم‌پذیری آن به علت درجه بازبودن بخش نفت (بالابودن نسبت صادرات نفت به تولید) برمی‌گردد. براساس رشد کل، سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵ را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم‌بندی کرد:

۱. دوره اول، دوره زمانی ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۷ است که پایین‌ترین و بالاترین نرخ رشد و بالاترین نوسانات رشد و دامنه تغییرات را در آن شاهد هستیم. در این دوره بالاترین نرخ رشد برابر با ۲۲/۸ درصد و پایین‌ترین نرخ رشد برابر با منفی ۲۳/۲ درصد بوده است. میانگین نرخ رشد این دوره برابر با منفی ۳/۱۲ درصد و انحراف معیار ۱۱/۶ درصد است. وقوع انقلاب اسلامی، خروج صاحبان صنایع بزرگ از کشور، فرار سرمایه‌ها، آشوب‌های داخلی در مناطق مختلف کشور، جنگ تحمیلی، و وضع کردن تحریم‌های اقتصادی (البته وضع و لغو تحریم‌های مقداری نفت) از مهم‌ترین رویدادهای این دوره بوده است.

۲. دوره دوم، دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ با دامنه تغییرات نرخ رشد اقتصادی منفی ۰/۹ درصد تا ۱۴ درصد و میانگین ۷/۴۵ درصد و انحراف معیار ۳/۸۶ درصد است. پایان یافتن جنگ تحمیلی، از سرگیری فعالیت تولیدی در مناطق درگیر جنگ، و ثبات نسبی اقتصاد بین‌المللی از ویژگی‌های بارز این دوره بوده است.

۳. دوره سوم از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ با دامنه تغییرات نرخ رشد اقتصادی منفی ۶/۸ درصد تا ۶/۵ درصد و میانگین ۰/۳۱ درصد و انحراف معیار ۴/۶۹ درصد است. بروز بحران

بزرگ اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ که از بخش مالی آغاز شد، ولی به بحران بخش واقعی از جمله رکود در بازار نفت منتهی شد، وقوع آشوب‌های خیابانی سال ۱۳۸۸، و به دنبال آن تحمیل تحریم‌های بی سابقه، مکرر، و شدید چند جانبه و یک جانبه در مورد اقتصاد ایران شامل تحریم مقداری نفت، تحریم‌های مالی و تحریم بانک مرکزی، تحریم صنایع بزرگ و حساس هم چون ماشین‌آلات و تجهیزات، پتروشیمی، و ... از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی این دوره بوده‌اند.

۴. دوره چهارم فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ با دامنه تغییرات منفی ۱/۶ درصد تا ۱۲/۵ درصد میانگین ۱ درصد است.

شایان ذکر است، براساس گزارش چشم‌انداز اقتصادی جهان نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۲ که مصادف با سال ۱۳۹۱ است، منفی ۱/۹ درصد و برای سال ۱۳۹۲، منفی ۱/۷ درصد گزارش شده است (World Economic Outlook 2012; Word Economic Outlook 2013).

۴. تجزیه رشد اقتصادی ایران و تکانه‌های مهم خارجی مؤثر بر آن

۱،۴ تجزیه رشد اقتصادی

پژوهش‌گران متعددی در ایران رشد اقتصادی را اغلب با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و مدل‌های رشد برون‌زا و مدل‌های درون‌زا بررسی کرده‌اند، اما روش به کار گرفته شده در این مقاله استفاده از تجزیه بخشی رشد است. عواملی چون ساختار تولید ملی کشور، اهمیت بخش نفت در آن، و هم‌چنین وقوع و سازوکار اثرگذاری رخ‌دادهایی هم‌چون انقلاب، جنگ، و تحریم که به مثابه منابع تکانه در اقتصاد ملی بروز کرده‌اند، نویسنده را بر آن داشت که وقایع مزبور را در این روش که چهارچوبی رساتر برای شناخت تکانه‌ها و سیاست‌گذاری در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی فراهم می‌آورد، تحلیل کند.

استفاده از مدل مفهومی ارائه شده به این منظور است که نشان داده شود تفکیک رشد اقتصادی به «رشد با نفت» و «رشد بدون نفت» برای خارج کردن اثر بخش نفت، به منزله یک تکانه خارجی، بر رشد اقتصادی کافی نیست، ضمن این‌که از تورش در نتایج مطالعات یا ارزیابی سیاستی ناشی از نوسانات کوتاه‌مدت رشد بخش نفت پیش‌گیری می‌کند.

۲,۴ اثر تکانه‌های مقداری نفت بر رشد اقتصادی؛ ارائه یک مدل مفهومی

آمار عملکرد رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد که در همه سال‌هایی که کاهش مقداری تولید نفت شدید بوده است، هم‌چون سال ۱۳۵۷ (منفی ۲۹ درصد)، سال ۱۳۵۸ (منفی ۲۲ درصد)، سال ۱۳۵۹ (منفی ۶۷ درصد)، سال ۱۳۶۳ (منفی ۲۰ درصد)، سال ۱۳۶۵ (منفی ۱۳/۷ درصد)، و سال ۱۳۹۱ (منفی ۳۷/۴ درصد) رشد کل تولید نیز منفی و پایین بوده است. چنان‌که در دوره موردبررسی فقط در چهار سال رشد اقتصادی ایران دو رقمی شده است که در هر چهار سال، یعنی سال ۱۳۶۱ (با رشد ۲۲/۸ درصد)، سال ۱۳۶۹ (با رشد ۱۴ درصد)، سال ۱۳۷۵ (با رشد ۱۲/۳ درصد)، و سال ۱۳۹۵ (با رشد ۱۲/۵ درصد) به علت لغو یا تعلیق تحریم‌های مقداری نفت در سال ۱۳۶۱ و سال ۱۳۹۵ و فعال‌شدن ظرفیت‌های پس از جنگ تحمیلی در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، رشد بخش نفت به ترتیب ۱۲۸ درصد، ۱۹/۴ درصد، ۱۳/۴ درصد، و ۶۲ درصد بوده است. در ادامه، ضمن معرفی سازوکار و مدل مفهومی اثرگذاری بخش نفت بر عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران اثر رخداد‌های سیاسی و تحریم‌ها نیز، به‌منزله تکانه‌های خارجی، بررسی می‌شود.

البته یادآور می‌شود اگرچه در مطالعات مربوط به رشد اقتصادی به اثر تکانه‌های نفتی اشاره شده است، همواره در این مطالعات اثر درآمدی نفت و تکانه‌های مربوط به قیمت آن نیز بررسی شده است. در اوضاع و احوال متعارف و نبود موانع غیراقتصادی که تغییر مقداری تولید نفت ناچیز است، چه‌بسا این روش مؤثر باشد، اما چنان‌چه بنا باشد آثار عوامل غیراقتصادی هم‌چون انقلاب، جنگ، تحریم، و ... مطالعه شود، این روش کافی نیست و شایسته است در مطالعات و متون علمی و تحلیل‌های سیاستی و برنامه‌ریزی با ارائه یک مدل مفهومی امکان تحلیل رساتری از اثر تکانه‌های مقداری نفت فراهم شود.

در این چهارچوب مفهومی ملاحظه می‌شود که تکانه مقداری نفت بر تولید ملی و به تبع آن بر رشد اقتصادی از مجاری زیر اثر می‌گذارد:

۱. اثر مستقیم: از آن‌جا که نفت یکی از پایه‌های اصلی تولید ملی (با وزن بالای ۲۰ درصد) است، هرگونه تغییری هم‌چون کاهش تولید نفت خام بلافاصله و بدون واسطه، عملکرد تولید ملی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این اثر به‌طور مستقیم در طرف عرضه کل و رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. برای شناخت این اثر کافی است به معادله زیر توجه شود:

$$y = y_0 + y_I + y_S + y_a$$

در این معادله، Y بیان‌گر تولید کل کشور (به قیمت ثابت) و Y_0 ، Y_1 ، Y_s و Y_a به ترتیب تولید بخش‌های نفت، صنعت و معدن، خدمات، و کشاورزی است. با دیفرانسیل‌گیری از این معادله (تولید) و عملیات ریاضی می‌توان به معادله رشد رسید:

$$\dot{y} = \alpha_0 \dot{y}_0 + \alpha_1 \dot{y}_1 + \alpha_s \dot{y}_s + \alpha_a \dot{y}_a$$

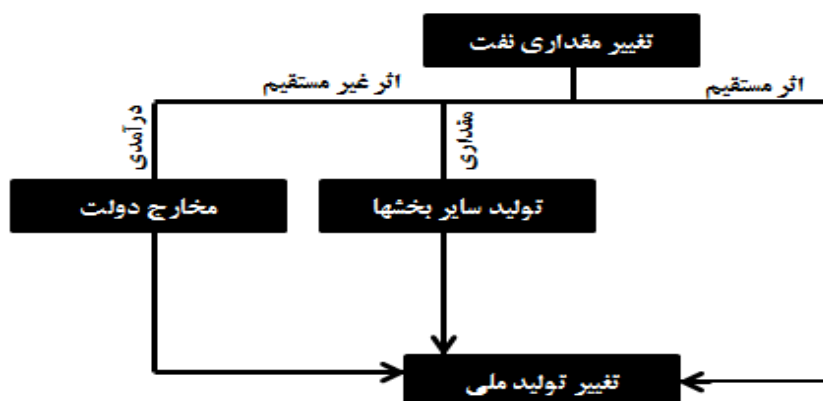
که در آن α_i ها سهم یا وزن بخش‌ها از تولید و رشد آن است. روش و معادله یادشده شبیه روش حساب‌داری رشد است. البته در حساب‌داری رشد کوشش می‌شود رشد اقتصادی کل بین منابع (چون سرمایه، نیروی کار، و بهره‌وری) تسهیم شود؛ ولی در این‌جا رشد اقتصادی بین بخش‌ها (نفت، صنعت و معدن، خدمات، و کشاورزی) تسهیم می‌شوند. تکانه‌های خارجی چون تحریم که باعث کاهش اجباری تولید نفت (بی‌کاری اجباری ظرفیت بخش) می‌شوند، به کاهش سریع رشد اقتصادی و پایین‌افتادن اقتصاد ملی از مسیر رشد بلندمدت آن منجر می‌شود. این اثر با حرکت عکس روی مسیر رشد کوتاه‌مدت انطباق‌پذیر است.

۲. اثر غیرمستقیم: این اثر به دو اثر غیرمستقیم مقداری و اثر غیرمستقیم درآمدی تقسیم می‌شود.

۱،۲ اثر غیرمستقیم مقداری: این اثر به تأثیر تغییر مقداری نفت در دیگر بخش‌های عرضه، به‌ویژه بخش خدمات و صنعت برمی‌گردد. مثلاً وقتی به هر علتی مقدار نفت تولیدی و به تبع آن صادرات نفت کشور کاهش یابد، به‌واسطه آن ارزش افزوده حمل‌ونقل دریایی به‌سرعت کاهش می‌یابد. مثلاً هنگامی که به‌جای دو میلیون و پانصد هزار بشکه در روز یک میلیون بشکه نفت بارگیری و حمل می‌شود، زیربخش خدمات حمل‌ونقل دریایی در حدود ۶۰ درصد کاهش می‌یابد، که این اثر نیز به‌علت وجود روابط پسین و پیشین بخش‌ها به‌سرعت در طرف عرضه کل و رشد اقتصادی پدیدار می‌شود. این اثر غیرمستقیم مقداری نیز در معادله ۱ و معادله ۲ به‌روشنی قابل مشاهده است.

۲،۲ اثر غیرمستقیم درآمدی: نفت پایه اصلی منابع عمومی (دولت) در ایران است، بنابراین تغییرات مقداری نفت (با فرض ثبات قیمت آن) باعث تغییر این پایه منابع عمومی و به‌دنبال آن تغییر مخارج دولت می‌شود. تغییر مخارج دولت هم در هزینه‌های مصرفی و هم مخارج سرمایه‌ای دولت منعکس می‌شود. البته کاهش مخارج بیشتر بر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا همان بودجه‌های عمرانی اثر می‌گذارد. این اثر مشابه کاهش درآمدهای نفتی کشور به‌علت پایین‌آمدن قیمت نفت است. ملاحظه می‌شود که اثر

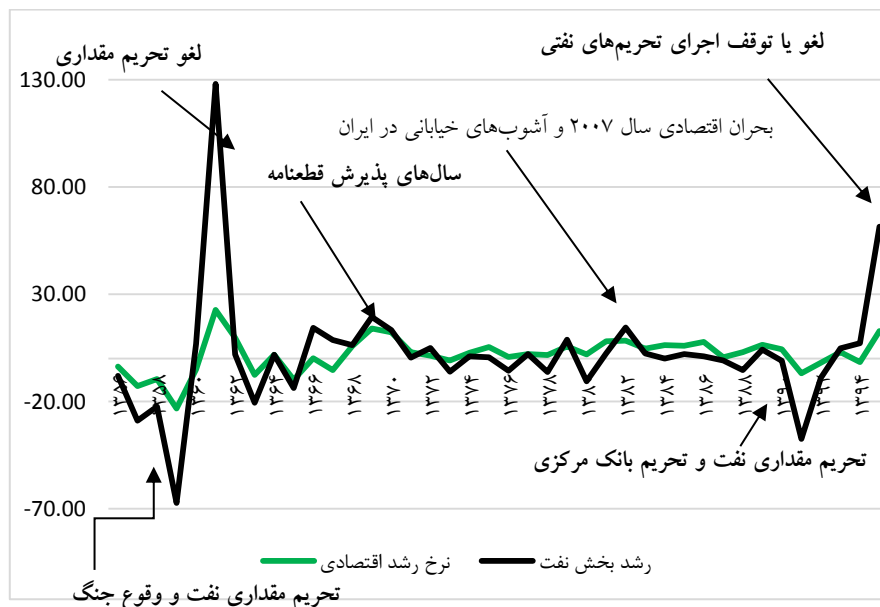
غیرمستقیم درآمدی ناشی از تغییر تولید نفت از سمت مخارج (تقاضای کل) اثر می‌گذارد و سبب تحقق تولید بالفعل (واقعی) کم‌تر از تولید بالقوه (ظرفیت) می‌شود.



شکل ۲. مدل مفهومی اثرگذاری تغییر مقداری نفت بر تولید ملی

چهارچوب اثرگذاری معرفی شده در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که تغییرات تولید ملی و نرخ رشد اقتصادی تا حد قابل توجهی به تغییرات در مقدار تولید نفت و به عبارتی رشد بخش نفت وابسته است. به نحوی که ضریب هم‌بستگی رشد بخش نفت با نرخ رشد اقتصادی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۵ نزدیک به ۸۰ درصد است. این هم‌بستگی در زمان تکانه‌های نفتی مثل سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲، و ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ نزدیک به ۹۰ درصد است. شکل ۳ روند نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد بخش نفت را نشان می‌دهد.

نکته حائز اهمیت این است که اثر تکانه‌های مقداری نفت بر رشد اقتصادی متقارن است؛ یعنی همان‌گونه که کاهش مقداری تولید نفت در نتیجه اقدامی چون وضع تحریم باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود، افزایش مقداری تولید نفت پس از لغو تحریم بلافاصله باعث افزایش رشد اقتصادی در ایران شده است. این رشد مستمر نیست و با بهره‌برداری از ظرفیت بی‌کار بخش‌ها دوباره رشد اقتصادی به سطح یک‌نواخت بلندمدت آن برمی‌گردد. شایان ذکر است، در مطالعات مربوط به ارزیابی اثر تکانه‌های نفت بر اقتصادهای صادرکننده خالص نفت، هم‌چون ایران، اثر تکانه‌های قیمتی نامتقارن ارزیابی شده است. یعنی کاهش قیمت نفت رشد اقتصادی این کشورها را کاهش داده است، ولی اثر مثبت افزایش قیمت نفت به مراتب ضعیف‌تر بوده است.^۱



نمودار ۳. هم‌بستگی رشد اقتصادی و رشد بخش نفت

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

نمودار ۳ نشان می‌دهد در سالی که بخش نفت بیش‌ترین میزان رشد را (۱۲۸ درصد در سال ۱۳۶۱ در پی لغو تحریم مقادری نفت) داشته است، اقتصاد ایران بالاترین نرخ رشد اقتصادی (۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۱) را حتی با تداوم جنگ تحمیلی تجربه کرده است. در طرف مقابل، در سالی که بخش نفت بیش‌ترین کاهش را تجربه کرده است (منفی ۶۷/۳ درصد در سال ۱۳۵۹ در پی تحریم مقادری نفت)، نرخ رشد اقتصادی کم‌ترین مقدار خود را (منفی ۲۳/۲ درصد) داشته است. کاهش حدود ۷ درصد تولید به‌علت کاهش ۳۷/۴ درصد ارزش افزوده بخش نفت در پی اعمال تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱ و رشد ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ به‌دنبال رشد ۶۲ درصد بخش نفت به‌دنبال تعلیق تحریم‌ها بیان‌گر تجربه مشابهی است. نکته مهمی که در این قسمت بدان توجه داده می‌شود اثر تکرارنشده و متوقف‌شدن یک تکانه خارجی و پی‌آمد آن برای رشد است؛ چراکه اگر بر اثر یک عامل خارجی چون جنگ، تحریم، و وضع سهمیه خرید تولید مقادری نفت کاهش یابد، این اثر در همان سال تأثیر مستقیم و تأثیر غیرمستقیم مقادری خود را برجای می‌گذارد.

تجربه سال ۱۳۵۹ که اقتصاد ایران با تحریم (نخریدن نفت از ایران) و به‌عبارتی تحریم مقادری نفت روبه‌رو شد، نشان می‌دهد که وقتی رشد بخش نفت به منفی ۶۷/۳ درصد

رسید، همین امر نرخ رشد اقتصادی را به منفی ۲۳/۲ درصد رساند و تجربه سال ۱۳۶۱، که تحریم‌های مقداری لغو شد، نشان می‌دهد که رشد ۱۲۸ درصدی بخش نفت، نرخ رشد اقتصادی ۲۲/۸ درصدی را به دنبال داشت. تجربه سال ۱۳۶۸ مقارن با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، تجربه سال ۱۳۹۱ به علت تحریم‌های مقداری نفت و بانک مرکزی، و تجربه سال ۱۳۹۵ در پی تعلیق تحریم‌های مقداری صادرات نفت که به ترتیب ریشه در یک تکانه خارجی داشته‌اند نیز از مصادیقی هستند که نسبت‌دادن آن‌ها به پی‌آمدهای سیاستی یا بهبود ساختاری اقتصاد محل تأمل است.

۳,۴ تحولات سیاسی و جنگ

در اکثر موارد تحولات سیاسی و جنگ بحران‌های اقتصادی را به دنبال داشته است. جدول ۲ سال‌هایی را که اقتصاد ایران با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو بوده است نشان می‌دهد.

سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، و ۱۳۵۹ مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، و ۱۳۶۵ سال‌های جنگ تحمیلی، و سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی است.

جدول ۲. رشد اقتصادی در سال‌های بحران اقتصادی

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت	
۲	۶/۷	۱۰/۹	۲/۸	-۲۹	-۱۲/۸	۱۳۵۷
-۰/۶	۶/۱	-۱۹/۵	-۰/۹	-۲۲/۳	-۹/۴	۱۳۵۸
-۱/۱	۳/۷	۱/۹	-۰/۳	-۶۷/۳	-۲۳/۲	۱۳۵۹
-۱/۴	۷/۳	-۶/۸	-۲/۴	-۲۰/۵	-۷/۶	۱۳۶۳
۲/۱	۷/۹	-۴/۹	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱۳۶۴
-۱۴/۲	۴/۸	۴/۱	-۸/۵	-۱۳/۷	-۹/۸	۱۳۶۵
۰/۵	۱۱	-۲/۲	-۰/۳	۵	۱/۴	۱۳۷۲
۲/۳	۲/۱	۲/۱	۱/۶	-۶/۱	-۰/۹	۱۳۷۳
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸	۱۳۹۱

بررسی نشان می‌دهد، که تحولات سیاسی، هم‌چون وقوع انقلاب، در اغلب موارد به‌علت همراه‌شدن با واکنش‌های تحریمی، به‌صورت کاهش خرید نفت از ایران با کاهش رشد بخش نفت رشد اقتصادی را به میزان بسیار زیادی تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. به‌عبارتی، تحریم‌های نفتی یکی از اهرم‌های فشاری است که همواره در قبال هرگونه تحرک سیاسی برضد ایران به‌کار گرفته شده است. تنها سال‌هایی که تکانه‌های اقتصادی بدون وجود هیچ تکانه سیاسی‌ای اتفاق افتاده است، سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، مقارن با سال‌های اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، هستند.^۲

در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ اقتصاد ایران با سه رویداد سیاسی اوج‌گیری انقلاب، تسخیر لانه جاسوسی امریکا، و جنگ تحمیلی روبه‌رو بوده است. در این دوران با دستور اجرایی رئیس‌جمهور وقت امریکا خرید نفت از ایران قطع شد. در این دوران باوجود تلاش بسیاری از کشورهای عضو اوپک مبنی بر افزایش تولید و صادرات نفت برای جلوگیری از افزایش قیمت جهانی آن به‌علت تحریم ایران قیمت نفت از بشکه‌ای ۱۵/۸۵ دلار به ۳۹/۵ دلار رسید، اما باوجود افزایش قیمت نفت رشد بخش نفت در اقتصاد ایران به‌علت اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم مقداری به مقدار قابل توجهی منفی شد. علت آن نیز به‌غلبه اثر مقداری بر اثر قیمتی در بخش نفت برمی‌گردد. در این دوران با کاهش شدید رشد بخش نفت و در پی آن افت شدید رشد اقتصادی، اقتصاد ایران دوره‌هایی از رکود را همراه با تورم شدید و بی‌کاری تجربه کرد.

پس از خاتمه‌یافتن جنگ تحمیلی و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل به‌علت ازسرگیری تولید در مناطقی که درگیر جنگ بودند، از جمله مناطق نفت‌خیز، اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ نرخ‌های رشد بالایی را تجربه کرد. جدول ۳ آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی در این دو سال را نشان می‌دهد:

جدول ۳. رشد اقتصادی در سال‌های پس از جنگ

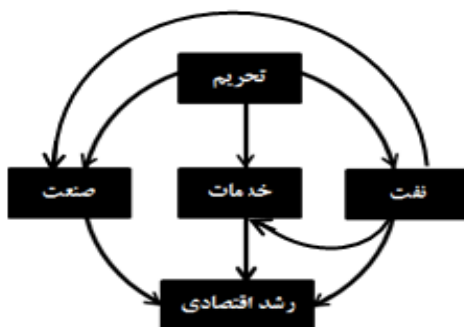
رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۱۰/۶	۱۱	۱۷/۵	۱۱/۷	۱۹/۴	۱۴
۱۰/۴	۵/۶	۲۳/۶	۱۱/۸	۱۳/۴	۱۲/۳

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

اما پس از تجربه نرخ‌های رشد بالا در سال‌های پس از جنگ، به‌علت نزدیک‌شدن تولید عملی به ظرفیت‌های موجود رشد اقتصادی متوقف شد و اقتصاد ایران نرخ‌های رشد پایینی را تجربه کرد.

۴,۴ تحریم

اقتصاد ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی همواره با تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه از طرف کشورهای مختلف مواجه بوده است. البته تحریم نفتی و تحریم مالی قبل از انقلاب نیز سابقه دارد. به‌گونه‌ای که در پی جنبش ملی‌کردن صنعت نفت در آغاز دهه ۱۳۳۰، انگلستان مبادرت به تحریم نفتی ایران کرد که به کاهش تولید و توفیق‌نیافتن برنامه عمرانی اول قبل از انقلاب (۱۳۲۷-۱۳۳۴) منجر شد.^۳ تحریم از طریق بخش‌های مختلف می‌تواند در نرخ رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد. شکل ۳ این تأثیرات را نشان می‌دهد:



شکل ۳: تحریم و رشد اقتصادی

بررسی نشان می‌دهد که در دو دوره تحریم‌ها اعمال محدودیت مقداری یا کاهش خرید نفت تأثیر به‌سزایی در عملکرد تولید و رشد اقتصادی ایران داشته است. این دو دوره سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۹۱ هستند. جدول ۴ آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی این دو سال را نشان می‌دهد:

جدول ۴. رشد اقتصادی در سال‌های تحریم مقداری نفت

رشد اقتصادی با نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش صنعت	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش خدمات	
-۲۳/۲	-۶۷/۳	-۰/۳	۱/۹	۳/۷	-۱/۱	۱۳۵۹
-۶/۸	-۳۷/۴	-۰/۹	-۶/۴	۳/۷	۱/۱	۱۳۹۱

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

در هر دو سال اشاره شده، رشد اقتصادی بدون نفت کم‌تر از ۱ درصد کاهش یافته است، اما رشد منفی بسیار بالا و قابل توجه بخش نفت، به علت اعمال تحریم‌های مقداری، رشد اقتصادی کل را منفی کرده است. چنان‌که رشد بخش کشاورزی در هر دو سال به علت پایین بودن اثرپذیری این بخش از تکانه‌های خارجی مثبت بوده است (شایان ذکر است، نرخ رشد اقتصادی ۳/۷ درصد بخش کشاورزی سال ۱۳۹۱ پس از تعدیل منفی به دنبال تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ اعلام شده است).

تفاوت عمده‌ای که بین تحریم سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۹۱ وجود دارد عبارت است از این‌که در سال ۱۳۵۹ با وجود تحریم مقداری نفت و کاهش میزان فروش آن قابلیت وصول درآمدهای نفتی وجود داشت و اقتصاد ایران با تحریم مالی روبه‌رو نبوده است، اما در سال ۱۳۹۱ علاوه بر تحریم مقداری نفت، امکان انتقال درآمدهای نفتی کشور به علت تحریم بانک مرکزی و نظام بانکی وجود نداشته است. چنان‌که تحریم‌های صنعت، بیمه، و بازرگانی نیز از طریق کاهش رشد دیگر بخش‌ها در کاهش نرخ رشد اقتصادی تأثیر مضاعف گذاشته است. بنابراین با توجه به پیچیدگی و شدت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱ انتظار می‌رفت که عملکرد نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۳۵۹ پایین‌تر باشد، که این‌گونه نشده است.

نکته مهم دیگر که نباید از نظر دور داشت، بهره‌گیری تحریم‌کنندگان از انباشت تجربه تحریم یا همان جنگ اقتصادی برای تقویت این اهرم فشار بر ضد اقتصاد ایران است. همان‌گونه‌که در بخش‌های قبلی گفته شد، در سال ۱۳۵۹ نیز تحریم مقداری نفت بر ضد ایران اعمال شد، اما تحریم یک‌باره خرید نفت از ایران به افزایش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه، ناگزیر کردن رئیس‌جمهور امریکا به لغو دستور خود منجر شد. اما در تجربه اخیر، امریکا و متحدانشان به علت سیطره‌ای که بر نقل و انتقال پولی و شبکه‌های الکترونیکی مالی دنیا یافته‌اند، ابتدا مبادرت به تحریم مالی ایران کردند؛ بنابراین نفت ایران فروخته شد و بازار نفت جهانی دچار تنش کاهش ناشی از عرضه ایران نشد، اما تنگناهای مالی و فشارهای درآمدی بر ایران تحمیل شد و در گام بعدی تحریم مقداری نفت ایران به صورت تدریجی و پلکانی اعمال شد تا امکان جای‌گزینی تولید از سوی کشورهای هم‌چون عربستان و هم‌چنین تطبیق زنجیره‌های پالایشگاهی با نفت جای‌گزین ایران فراهم شود؛ به‌ویژه این‌که خریداران نفت خام ایران نیز محدودند و به‌نوعی انحصاری هستند. بنابراین تلفیق تحریم مالی و مقداری نفت و پرهیز از تنش در بازار نفت رویکرد خطیر آن‌ها بر ضد ایران بوده است. شایان ذکر است، در متون ارائه‌شده صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امریکایی درگیر تحریم بر ضد ایران همواره از یک‌پارچه‌شدن نظام مالی دنیا

و از طرفی وابستگی ایران به فروش نفت در بازارهای جهانی، به‌منزله دلایل اثربخشی تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران، یاد شده است.^۴

جدول ۵ تجربه دو سال رشد ایران را در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۹۵ پس از برداشتن یا تعلیق تحریم‌های مقداری نفت نشان می‌دهد. همان‌گونه که رشد ۱۲۸ درصد بخش نفت، رشد حدود ۲۳ درصد کل را در سال ۱۳۶۱ در پی داشته است، رشد ۶۲ درصدی نفت در سال ۱۳۹۵، رشد ۱۲/۵ درصد کل را در سال ۱۳۹۵ رقم زده است.

جدول ۵. رشد اقتصادی در سال‌های پس از تحریم مقداری نفت

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
-۲/۳	۷/۱	۵/۴	۲/۱	۱۲۸/۱	۲۲/۸
۳/۶	۴/۲	۶/۶	۳/۳	۶۱/۶	۱۲/۵

منبع: سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

۵. تحلیل رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ و سال ۱۳۹۵

۱،۵ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱

آخرین رقم نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ باتوجه‌به آنچه از سوی بانک مرکزی اعلام شده است منفی ۶/۸ درصد است. جدول ۷ آمار عملکرد نرخ رشد اقتصادی را در این سال نشان می‌دهد:

جدول ۷. رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱

رشد بخش خدمات	رشد بخش کشاورزی	رشد بخش صنعت	رشد اقتصادی بدون نفت	رشد بخش نفت	رشد اقتصادی با نفت
۱/۱	۳/۷	-۶/۴	-۰/۹	-۳۷/۴	-۶/۸

منبع: آمار و اطلاعات سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)

همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه شد، براساس آمار بانک مرکزی نرخ رشد اقتصادی ایران برای سال ۱۳۹۱ منفی ۶/۸ درصد اعلام شده است که این عدد در مقایسه با رشد سال ۱۳۹۰ (که اولین سال پس از اجرای هدف‌مندی‌سازی یارانه‌هاست) حدود ۱۱ درصد افت نشان می‌دهد، کمترین که در مقایسه با سال ۱۳۸۹ که رشد اقتصادی ایران ۶/۵ درصد بوده

است، این فاصله به ۱۳ درصد می‌رسد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۹۱ نرخ رشد اقتصادی دچار یک تکانه شده است و در مسیر پایدار خود نبوده است؛ در نتیجه، شناخت وقایع سال ۱۳۹۱ حائز اهمیت است که در ادامه بررسی می‌شود.

الف) تحریم نفت

تحریم سال‌های ۱۳۹۰ به بعد پیچیده‌ترین نوع تحریم‌ها بر ضد ایران بوده است؛ زیرا هم تحریم مقداری نفت اعمال شده است و هم قبل از آن با تحریم‌های مالی، از جمله محدودیت جابه‌جایی درآمدهای حاصل از فروش نفت و ذخایر ارزی اثر تحریم مقداری نفت تشدید شده است. منفی بودن رشد بخش نفت و منفی شدن رشد برخی زیربخش‌های خدمات و صنعت که مستقیماً تحریم شده‌اند، حکایت از اثر غالب تحریم بر رشد اقتصادی منفی در سال ۱۳۹۱ دارد. در مورد تحریم اخیر نفت این موارد را می‌توان مطرح کرد:

۱. به دنبال تحریم بانک مرکزی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰، در ماه‌های آغازین سال ۱۳۹۱ تحریم تجاری نفت، یعنی کاهش خرید نفت از ایران اعمال شد. به طوری که صادرات نفت کشور از متوسط $2/4$ میلیون بشکه در روز به کم‌تر از یک میلیون بشکه در روز در ماه‌های ابتدایی سال کاهش یافت. این امر باعث شد با وجود ظرفیت‌های تولیدی در بخش نفت، تولید آن به شدت کاهش یابد و رشد بخش نفت به منفی ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۱ برسد. در واقع، مانع سیاسی تحریم به تولید نفت پایین‌تر از سطح ظرفیت (بی‌کاری اجباری ظرفیت تولید نفت) یا پایین افتادن از روند بلندمدت رشد منجر شد. این اثر همان‌گونه که در بخش ۴-۲ گفته شد دارای تأثیر مستقیم در رشد اقتصادی است. چنان‌که رشد بدون نفت فقط منفی $0/9$ درصد بوده است. بنابراین فاصله رشد بدون نفت منفی $0/9$ درصد با رشد منفی $6/8$ درصد کل، به علت اثر مستقیم تحریم (کاهش منفی ۳۷ درصدی تولید بخش نفت) بوده است.

۲. همان‌گونه که در بخش ۴-۲ مقاله گفته شد، اثر تکانه‌های مقداری نفت (ناشی از تحریم) به اثر مستقیم محدود نمی‌شود و دو اثر «غیرمستقیم مقداری» و «غیرمستقیم درآمدی - مخارج کل» باید بررسی شوند که بدین شرح است:

۱,۲ بر اثر افت تولید و صادرات نفت بخش‌های پستین و پیشین به شدت دچار کاهش شدند که این امر در پایه تولید دیگر بخش‌های (غیرنفتی) خود را نشان می‌دهد. مثلاً رشد بخش حمل‌ونقل دریایی در سال ۱۳۹۱ $2/5$ درصد بوده است. این رشد به دو بخش حمل‌ونقل دریایی غیرنفتی و حمل‌ونقل دریایی نفتی تقسیم می‌شود. جالب است که رشد

حمل و نقل بدون نفت در سال ۱۳۹۱ حدود ۹ درصد بوده است؛ ولی از آن‌جا که رشد بخش حمل و نقل نفتی حدود منفی ۸ درصد بوده است، رشد مزبور به سطح ۲/۵ درصد کاهش یافته است که از مصادیق اثر غیرمستقیم مقداری است.

۲,۲ براساس گزارش مالی دولت در سال ۱۳۹۱، به دنبال تحریم خرید نفت از ایران، پایهٔ مربوط به فروش نفت در درآمد عمومی (زیربخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای) به میزان ۳۶ درصد در مقایسه با سال قبل آن کاهش یافت، که در نتیجهٔ این امر مخارج کل دولت در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت که به کاهش ۴۷ درصدی تملک دارایی‌های سرمایه (سرمایه‌گذاری) دولت منجر شده است که این امر نیز به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. این مورد به اثر «غیرمستقیم درآمدی» که از طریق مخارج کل در رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، معرفی شد. به بیانی، پایین آمدن (و منفی شدن) رشد بدون نفت سال ۱۳۹۱ (حدود منفی ۰/۹ درصد) ناشی از این آثار است.

ب) تحریم خدمات مالی و بازرگانی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحریم‌های اخیر به تحریم خدمات مالی و بازرگانی، از جمله خدمات بانکی، بیمه‌ای (خدمات مالی)، و کشتی‌رانی برمی‌گردد.

۱. خدمات بازرگانی: تحریم باعث شد رشد بخش خدمات بازرگانی که ۱۴ درصد از سهم تولید کل را در اقتصاد ایران به خود اختصاص می‌داد، به منفی ۹ درصد در سال ۱۳۹۱ برسد. شایان ذکر است، متوسط رشد این زیربخش در سه سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ ۶ درصد بوده است.

۲. خدمات مالی: یکی دیگر از حوزه‌هایی که به‌طور مستقیم تحریم شد بخش خدمات مالی است. تحریم باعث شد رشد این بخش به منفی ۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۱ برسد، در حالی که در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به‌طور متوسط این زیربخش از رشد ۸ درصدی برخوردار بوده است.

کاهش رشد دو زیربخش یادشده به افت رشد بخش خدمات از ۵/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱/۱ درصد در سال ۱۳۹۱ منجر شد. این دو در وضعیتی است که رشد دیگر بخش‌های خدمات کشور (بدون خدمات مالی و بازرگانی) در سال ۱۳۹۱ در حد سال ۱۳۹۰، یعنی ۵/۳ درصد، مثبت بوده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که بخش خدمات ۵۰ درصد سهم تولید کل را در اختیار دارد؛ بنابراین افت ۴ درصدی این بخش به علت تحریم به‌تنهایی به افت ۲ درصدی رشد کل منجر می‌شود (توجه شود رشد کل بخش‌های غیرنفتی منفی ۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۱ گزارش شده است).

ج) تحریم بخش‌های صنعتی

اعمال تحریم‌ها بسته به ساختار فعالیت‌ها، از جمله ارزیابی در مقابل ارزآوری از چند مسیر باعث آسیب به بخش‌های صنعتی شده است. از جمله با کاهش درآمدهای ارزی افزایش نرخ ارز به وقوع پیوست. این امر همراه با مشکل جابه‌جایی پول (تحریم بانکی) به درمضیقه‌قرارگرفتن صنایع وابسته به واردات و ارزی منجر شد. برای نمونه، این امر را می‌توان در بخش خودرو (زیربخش ماشین‌آلات و تجهیزات در تولید) جست‌وجو کرد که از کاهش ۴۴ درصدی تولید در سال ۱۳۹۱ برخوردار بوده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که رشد زیربخش ماشین‌آلات و تجهیزات از متوسط ۱۱ درصد در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به منفی ۳۰/۷۳ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت.

یکی دیگر از حوزه‌های تحریم صنعتی به بخش پتروشیمی برمی‌گردد که در سال ۱۳۹۱ به‌طور مستقیم مورد تحریم قرار گرفت و سبب شد نرخ رشد این بخش از متوسط ۱۲/۵ درصد طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به منفی ۱/۴۵ درصد در سال ۱۳۹۱ کاهش یابد.

موارد ذکرشده محدود به مصادیق اثرات تحریم بر زیربخش‌هایی است که به‌طور مستقیم تحریم شدند. تردیدی نیست که به‌علت روابط پسین و پیشین بخش‌ها، اثرات تحریم فراتر از مقداری است که بیان شد. حسینی و دیگران (۱۳۹۵) با استفاده از مدل متغیر مختلط داده - ستانده نشان داده‌اند که فقط کاهش ۴۰ درصد تولید نفت ناشی از تحریم نفتی به کاهش ۷ درصدی رشد اقتصاد ایران منجر می‌شود. شایان ذکر است، تحریم‌های سال‌های اخیر علاوه بر تحریم‌های نفتی، تحریم‌های مالی، علمی - فنی، صنعتی، و تجاری را نیز شامل شده است.

۲,۵ بازسازی رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱

براساس آنچه گفته شد، اگر تحریم‌ها اعمال نمی‌شد و نرخ رشد بخش نفت و دیگر بخش‌هایی که به‌طور مستقیم تحریم شده‌اند (هم‌چون خدمات بازرگانی، خدمات بانکی و واسطه‌های مالی، صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات، و پتروشیمی) که در سال ۱۳۹۱ مثبت یا حتی صفر بود، ایران در سال ۱۳۹۱ شاهد نرخ رشد مثبت می‌شد. برای اثبات این ادعا کافی است رشد بخش‌های یادشده صفر در نظر گرفته شوند و با استفاده از سهم بخش نفت و سهم دیگر بخش‌ها در سال ۱۳۹۰، یعنی سال قبل از اعمال تحریم‌های مقداری، نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ را باز محاسبه کرد. جدول ۸ سهم هر یک از بخش‌ها را در تولید سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد:

جدول ۸: سهم بخش‌های مختلف در تولید سال ۱۳۹۰

بخش	فرد	محصولات شیمیایی	ماشین‌آلات و تجهیزات	ماشین‌آلات و تجهیزات	محصولات شیمیایی	خدمات گروه مالی	خدمات بازرگانی	خدمات بدون مالی و بازرگانی	کشاورزی
سهم در تولید سال ۱۳۹۰ (محقق شده)	۲۵	۱۶۳۴	۳/۲۹	۲/۲۱	۳/۶	۱۴	۳۲/۷	۵/۹	
رشد سال ۱۳۹۱ (محقق شده)	-۳۷/۴	۳/۱۳	-۳۰/۸۳	-۱/۴۵	-۱/۶	-۸/۹	۵/۳۲	۳/۷	
بازسازی رشد اقتصادی	۰	۰/۵۱۱۴	۰	۰	۰	۰	۱/۳۳۹	۰/۲۱۸۳	

منبع: محاسبات محقق

(بازسازی رشد اقتصادی به معنی صفر فرض کردن رشد بخش‌هایی است که مستقیماً درگیر تحریم بوده‌اند)

با فرض صفر (که به مراتب کم‌تر از متوسط دوره سه سال قبل از تحریم است) در نظر گرفتن نرخ رشد بخش‌های نفت، ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات شیمیایی، گروه خدمات مالی و خدمات بازرگانی در سال ۱۳۹۱ (همان‌گونه که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود) که به طور مستقیم تحریم شدند و تحریم به کاهش تولید آن‌ها منجر شده است، نرخ رشد اقتصادی ایران برابر با ۲/۴۷ درصد است.

۳,۵ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵

برای تحلیل رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ شایسته است براساس رویکرد مقاله به تجزیه بخشی آن توجه شود. همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، رشد بدون نفت در این سال برابر ۳/۳ درصد بوده است. با در نظر گرفتن رشد منفی ۳/۱ درصد رشد بدون نفت در سال ۱۳۹۴، نتیجه آن است که عملکرد تولید بدون نفت در سال ۱۳۹۵ (۵۱۶۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) به معادل سطح عملکرد سال ۱۳۹۳ (۵۱۶۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) رسیده است، ولی با توجه به برداشته شدن تحریم‌های نفتی، رشد بخش نفت در سال ۱۳۹۵ حدود ۶۲ درصد شده است که ارزش افزوده یا عملکرد این بخش را از ۹۴۳۰۰۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۴ به ۱۵۲۴۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۵ رسانده است و رشد کل اقتصاد را به ۱۲/۵ درصد در این سال ارتقا داده است.

شایان ذکر است، اثر مثبت رشد بخش نفت در سال ۱۳۹۴ نیز محسوس است. در سال ۱۳۹۴ اگرچه رشد بدون نفت منفی ۳/۱ درصد بوده است، به‌علت رشد ۷/۲ درصدی رشد بخش نفت رشد کل تعدیل شده است و به سطح منفی ۱/۶ درصد رسیده است. بدین ترتیب، رشد سال ۱۳۹۵ را نمی‌توان نتیجه یک بهبود ساختاری یا سیاستی اقتصاد دانست، بلکه مرتبط با افزایش قابل توجه ارزش افزوده بخش نفت ناشی از تعلیق تحریم‌های مقداری نفت مشابه تجربه سال ۱۳۶۱ است. این امر باید در ارزیابی عملکرد اقتصاد با توجه به هدف پویایی رشد در اقتصاد مقاومتی مدنظر قرار گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

در تحلیل و ارزیابی رشد اقتصادی، به‌ویژه در زمانی که نوسان‌ها و تکانه‌ها بالاست، شایسته است به وضعیت عملکرد تولید ملی توجه شود، در غیر این صورت تأکید صرف بر رقم رشد می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

تفکیک مفاهیم رشد کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت، به‌ویژه قبل و پس از یک تکانه بسیار مهم است. در مطالعات سیاست‌گذاری باید توجه داشت که پس از یک تکانه یا مهم‌تر از آن رفع یک تکانه، مثل جنگ یا تحریم، ممکن است یک جهش رشد اتفاق بیفتد. این اصلاح مسیر کوتاه‌مدت است و نباید آن را یک بهبود ساختار و پایدار رشد تلقی کرد.

تجزیه بخشی رشد به تحلیل کیفی و ساختاری آن کمک می‌کند، وگرنه صرف تأکید بر رشد کل برای اقتصادهایی مثل ایران که نفت در آن سهم بالایی دارد، می‌تواند باعث نارسایی تحلیل و به‌طور ویژه درک پی‌آمدهای رشد اقتصادی برای اهدافی چون اشتغال و حتی رفاه شود.

مطالعه روند رشد اقتصاد ایران و تجزیه بخشی آن حاکی از نوسان بالای آن در دوره مورد مطالعه است که علت عمده آن به نوسان و تکانه‌پذیری رشد بخش نفت برمی‌گردد. شدیدترین تکانه‌های نفتی نیز به تحریم‌های مقداری نفت (به‌طور مشخص سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۹۱) برمی‌گردد.

استفاده از تحریم در کانون استراتژی امنیت ملی کشورهایمانند آمریکا برای مقابله با ایران قرار گرفته است که این امر از یک‌سو، به سلطه این کشور بر بازارهایی چون بازار مالی و بازار نفت و از سوی دیگر، به وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به صادرات نفت خام برمی‌گردد.

نکته پیش‌گفته ایجاب می‌کند که در برنامه‌های اقتصاد مقاومتی پروژه‌های خاصی برای کاهش تحریم‌پذیری و تکانه‌پذیری اقتصاد ایران پیش‌بینی شود. به‌طور مشخص، این امر باید در برنامه‌های دوازده‌گانه و به‌تبع آن طرح و پروژه‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد. پروژه‌های یادشده علاوه بر پدافند مالی باید در جهت کاهش انحصار دولتی در فروش نفت و کاهش انحصار ازسوی خریداران نفتی باشد. ضمن این‌که تکمیل پروژه‌های زنجیره‌های پایین‌دستی نفت و گاز باید با سرعت بیش‌تری دنبال شود.

پیام کلیدی در این مقاله آن است که در مطالعات و متون پژوهشی درباره رشد اقتصادی علاوه بر تحلیل کمی — کلی باید به تحلیل کیفی — بخشی رشد نیز توجه شود و در سیاست‌گذاری و ارزیابی سیاستی نباید جهش‌های کوتاه‌مدت رشد ناشی از رفع یک تنگنای خارجی و برون‌زا به‌مثابه بهبود ساختاری و پی‌آمد سیاستی اقتصاد تلقی شود. خلاصه آن‌که تازمانی که ساختار فنی، تولید، تجارت، و مالی بخش نفت اصلاح نشود و وابستگی آن تداوم داشته باشد، یک عامل اصلی تکانه‌پذیری و نوسان رشد اقتصاد ایران پابرجاست که شایسته است اصلاح آن در سرلوحه کار مراجع مربوط قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. یادآوری می‌شود که کاهش مقداری تولید و صدور نفت باعث کاهش عرضه ارز، کسری تجاری، و در نتیجه، افزایش قیمت آن نیز می‌شود که می‌تواند در رشد اقتصادی و تورم تأثیر بگذارد که موضوع این مقاله نیست.
۲. برای اطلاع بیش‌تر، بنگرید به میرزاده و حسینی ۱۳۷۸.
۳. برای اطلاع بیش‌تر، بنگرید به فقیه‌نصیری و دیگران ۱۳۸۸.
۴. برای مطالعه بیش‌تر در خصوص ماهیت تحریم‌های اخیر برضد ایران و زمینه‌های اثربخشی آن‌ها، بنگرید به Rosenberg et al. 2016.

کتاب‌نامه

برانسون، ویلیام اچ (۱۳۸۵)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی.
حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران با تأکید بر تکانه‌های خارجی، توصیه‌ای برای اقتصاد مقاومتی»، در: *کنگره ملی اقتصاد مقاومتی*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه شهید بهشتی.

حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۲)، «اقتصاد ایران هم‌راه با تحریم»، فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، س ۱، ش ۲.

حسینی، سیدشمس‌الدین و دیگران (۱۳۹۵)، بررسی اثر تحریم‌های نفتی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از جدول داده - ستانده، تهران: مرکز تحقیقات راه‌بردی دفاعی، گروه منابع و اقتصاد دفاع. رومر، دیوید (۱۳۸۳)، اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه مهدی تقوی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <www.cbi.ir>

غفاری، فرهاد و سحر مظفری (۱۳۸۹)، «اثرات نامتقارن شوک‌های نفتی بر رشد اقتصادی در ایران»، فصل‌نامه اقتصاد کاربردی، س ۱، ش ۳.

فقیه‌نصیری، مرجان و دیگران (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی توسعه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲)، «گزارش نماگرهای اقتصادی سه‌ماهه چهارم سال ۱۳۹۲».

وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۹۲)، «گزارش آمار عملکرد مالی دولت».

معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی (۱۳۹۲)، «گزارش هنر جنگ اقتصادی اقتصاد ایران در مواجهه با تحریم».

منصور، داوود و منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲)، «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، س ۱، ش ۲.

منکیو، گریگوری (۱۳۹۰)، اقتصاد کلان، ترجمه حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارسائیان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

میرزاده، حمید و سیدشمس‌الدین حسینی (۱۳۷۸)، آمار سخن می‌گوید، بی‌جا: بی‌نا.

Mehrara, Mohsen (2008), "The Asymmetric Relationship Between Oil Revenues And Economic", *Energy Policy*, vol. 36.

Rosenberg, E., Z. K. Goldman, D. Drezner, and J. Solomon-Strauss (2016), *The New Tools of Economic Warfare: Effects and Effectiveness of Contemporary us Financial Sanctions*, Center for a New American Security.

World Economic Outlook (2012).

World Economic Outlook (2013).